عکس: ایرنا

هویت‌یابی در جامعـه به دلایل گوناگون دچـار اختلال شـده اسـت؛ یـا خانواده مسئولیت خود را بدرستی انجام نمی‌دهد یـا نظام آموزشـی درسـت کار نمی‌کند. امروزه مسـأله هویت نسـبت به گذشته، امری چندجانبه و چند لایه شـده است. در گذشـته، منبـع و مرجـع هویت‌یابی فقط خانواده بود اما حالا منابع مختلفی از جملـه نظـام آموزشـی و شـبکه‌های اجتماعی وجود دارد و گروه‌های مرجع از منابع گوناگون به هویت‌سازی می‌پردازند. در ایـن میان فـرد نمی‌داند کـدام منبع بایـد هویـت او را شـکل دهـد. بنابراین ضعف در هویت یابی، مشـکلاتی پیش می‌آورد که فرد را پرخاشگر می‌کند و این پرخاشـگری گاهـی به صورت فحاشـی نمود پیدا می‌کند. استفاده از فحش‌های رکیک، در واقع نوعی هویت‌یابی گروهی هم هست. فرد دوست دارد خود را از این طریق در گروه حفـظ کند. مثل لات‌های قدیم که هویت گروهی‌شان را به هر شکل می‌خواستند حفظ کنند.»

نیم‌نگاه

■ **جایی که فحش و بددهنی از معنای خود تهی می‌شود و مثل یک تعارف مرسوم در یک شبکه اجتماعی یا یک میهمانی رد و بدل می‌شود؛ عادی شدن بددهنی و تغییر معنای فحش به امری فان و خوشـمزه که می‌توان آن را خطرناک‌ترین شکل بروز این ناهنجاری دانست.**

■ **دکتـر محمـد باقـر تاج‌الدیـن، جامعـه شـناس: یکی از مهم‌تریـن دلایـل رواج فحاشـی در جامعـه این اسـت که در حـال حاضـر فرآینـد هویت‌یابـی در جامعه بـه دلایل گوناگون دچار اختلال شـده اسـت؛ یا خانواده مسـئولیت خود را به درسـتی انجام نمی‌دهد و یا نظام آموزشی درست کار نمی‌کند.**

■ **در بعضـی جمع‌هـا اگـر در هـر جمله‌تـان یکـی دو اصطـلاح ناجـور بـه کار نبریـد، حتمـا آدم لوس و کسـل کننـده‌ای بـه نظـر می‌رسـید. در ضمن بایـد یادتان باشـد در مقابـل بددهانـی دیگـران تـا می‌توانیـد عکس‌العمـل مثبـت نشـان دهیـد و از خنـده روده بر شـوید تـا گوینده خوشش بیاید.**

وقتی رکیک بودن مُد می‌شود

پی افکندم از «فحش» کاخی بلند

مریم طالشی

تیرهـای زهرآگیـن بـه سـمت عابران پرتاب می‌شود. هرچقدر هم تلاش کنند خودشان را کنار بکشـند، فایده‌ای ندارد. بالاخره مـورد اصابـت قـرار می‌گیرند. بچه‌هـا را بایـد نجـات داد، امـا آن هم بی‌اثـر اسـت. تیرها رها شـده‌اند و کاری نمی‌شود کرد. هرجا می‌تواند باشد؛ خانه، خیابان، اتوبوس، مترو، مدرسه، دانشگاه و حتی شـبکه‌های اجتماعی. شما هیچ کجـا از تیررس نـاسـزا در امان نیسـتید. رگباری از فحش که خیلی وقت‌ها معنی بعضی‌هایشـان را درسـت نمی‌دانیـد. حتمـاً لازم نیسـت دعوایی سـر بگیرد تا مجبور شـوید گوش‌هایتـان را بگیرید یـا خودتان را به نشـنیدن بزنیـد. در هر موقعیتی ممکن است تیرها به سمت‌تان پرتـاب شـود. انصافـاً ضارب یـا همان پرتاب‌کننـده تیر، گاهی شـگفت‌زده‌تان می‌کند. شـاید بـه نظرتـان دور از ذهن نباشد اگر فحش دهنده، یک آدم عامی و بدون تحصیلات و دارای شأن اجتماعی پاییـن باشـد، امـا شـنیدن رکیک‌ترین جملات از زبـان یک جوان تحصیلکرده و امروزی که به شـکل و شمایل‌اش هیچ جوره نمی‌خـورد کوچکترین حرف بدی بزند، دیگر نوبر اسـت. حالا حسـاب‌اش را بکنید ایـن بددهانی و رکیک بودن مد بشود. بله؛ مد!

حـالا در بعضـی جمع‌هـا اگـر در هر جمله‌تـان یکی دو اصطـلاح ناجور به کار نبرید، حتماً آدم لوس و کسل کننده‌ای به نظر می‌رسید. در ضمن باید یادتان باشد نمی‌توانید تصور کنید رکیک‌ترین حرف‌ها از زبان یک دختر جوان و با قیافه‌ای آرام و حق به جانب خارج می‌شود که خودش را پشت یک اکانت قلابی پنهان کرده است.

راسـتی از کـی این‌قـدر بـد دهـان شـده‌ایم؟! پدر به فرزند فحش می‌دهد، پسـر به همکلاسـی مدرسـه، همکار به همکار، مسـافر به راننده تاکسی و... قشر جوان تحصیلکـرده چرا رکیـک بودن را به‌عنوان یک ارزش پذیرفته است؟!

دکتر محمـد باقـر تاج‌الدین، جامعه شناس و اسـتاد دانشـگاه در گفت‌وگو با «ایران» به رمزگشـایی درباره این پدیده ناهنجـار و رو بـه گسـترش می‌پـردازد: «دلایـل مختلفی برای رواج فحاشـی در جامعه وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این دلایل آن اسـت که در حال حاضر فرآیند هویت‌یابی در جامعـه به دلایل گوناگون دچـار اختلال شـده اسـت؛ یـا خانواده مسئولیت خود را بدرسـتی انجام نمی‌دهد یـا نظام آموزشـی درسـت کار نمی‌کند. امروزه مسـأله هویت نسـبت به گذشته، امری چندجانبه و چند لایه شـده است. در گذشـته، منبـع و مرجـع هویت‌یابی فقط خانواده بود اما حالا منابع مختلفی از جملـه نظـام آموزشـی و شـبکه‌های اجتماعی وجود دارد و گروه‌های مرجع از منابع گوناگون به هویت‌سازی می‌پردازند. در ایـن میان فـرد نمی‌داند کـدام منبع بایـد هویـت او را شـکل دهـد. بنابراین ضعف در هویت یابی، مشـکلاتی پیش می‌آورد که فرد را پرخاشگر می‌کند و این پرخاشـگری گاهـی به صورت فحاشـی نمود پیدا می‌کند. استفاده از فحش‌های رکیک، در واقع نوعی هویت‌یابی گروهی هم هست. فرد دوست دارد خود را از این طریق در گروه حفـظ کند. مثل لات‌های قدیم که هویت گروهی‌شان را به هر شکل می‌خواستند حفظ کنند.»

تاج‌الدیـن ادامـه می‌دهد: «مسـأله بعـدی، شـکاف طبقاتـی و نابرابـری اجتماعی است که متأسفانه در سال‌های اخیر گسـترش یافته است. طبقه مرفه و برخوردار با ظهور شبکه‌های اجتماعی، به نمایش دارایی‌های خود همچون اتومبیل و سـاعت گرانقیمـت رو آورده‌انـد و این خودنمایی براحتی مقابل چشـم طبقه پایین قرار می‌گیـرد و باعث ایجاد حس سـرخوردگی در آنها می‌شود. اینجاست کـه اعتـراض به ایـن وضع، بـه صورت فحش دادن نشـان داده می‌شـود چون جوان طبقـه پایین امکان دیگـری برای خـود نمی‌بیند. نه تـوان دارد حرف خود را به گوش مسئولان برساند و نه مقاله‌ای در باب خواسته‌هایش بنویسد. در نتیجه اعتـراض‌اش و ظلمـی را که فکر می‌کند به او شـده، به این شـکل نشان می‌دهد. در واقع وجود ایـن نابرابری اجتماعی از دلایل مهم ایجاد پرخاشگری است.»

ایـن جامعـه شـناس، نبـود فضای گفت‌وگـو در جامعـه را عامـل دیگری برای بروز پرخاشـگری و خشونت طلبی عنـوان می‌کنـد و می‌گویـد: «کسـی که فحش‌هـای رکیـک می‌دهـد، در واقـع می‌خواهد گفت‌وگو کند و حرف خودش را به گوش بقیه برساند. اگر فضای کافی برای گفتمان در جامعه فراهم باشـد، او می‌تواند خـودش را با حرف زدن تخلیه کند اما وقتی این فضا را نمی‌یابد، دست بـه فحاشـی می‌زند کـه در میـان تمام اقشـار هم رایج است و گاهی افراد دارای تحصیلات بالا را می‌بینیم که در مواجهه با مسائل براحتی فحاشی می‌کنند. حتی می‌شـود گفت این شـکل فحاشی، یک جنبش اجتماعی پنهان است. نکته دیگر این اسـت که فـرد با فحاشـی در صدد اسـت توجه دیگران را جلب کند. تصور کنیـد جوانی که پـول نـدارد و از جایگاه اجتماعی خاصی هم برخوردار نیسـت، می‌خواهد به این طریق توجه دیگران را بـه خودش جلب کنـد و بگوید من هم در ایـن جامعه هسـتم؛ حواس‌تان به من باشـد. درحالـی که اگـر این جوان آموزش می‌دیـد، راه عقلانی برای این کار پیـدا می‌کرد. همچنیـن گاهی فرد از راه فحاشـی، قـدرت نمایـی می‌کند تـا ضعف‌های خود را پنهـان کند و اگر ثـروت و قدرتی نـدارد، با ناسـزاگویی آن را جبـران کند و قـدرت کاذبی را که ایجاد می‌کند، به رخ بکشـد. او ترس‌ها و ناامنی‌های خـود را این گونه پنهان و اضطراب‌اش را تخلیه می‌کند.»

طبیعی است که ایجاد چنین فضایی، تبعات ناخوشـایندی به همـراه دارد. به گفته تاج الدین، رواج این پدیده، جامعه را ناامـن می‌کنـد و یـک نـوع تـرس به وجود مـی‌آورد. بی‌اعتمادی به فضاهای عمومی و همچنین شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود و باب مشارکت اجتماعی و گفت‌وگوی عقلانـی را می‌بندد. خیلی خطرناک و آسیب‌زاست اگر همه فکر کنند با فحاشی می‌توانند کار خودشان را پیش ببرند. باید تا می‌توانیم فضای گفتمان را در جامعه باز کنیم و از اینکه امری ناهنجار به هنجار تبدیل شود، جلوگیری به عمل آوریم. از اینها که بگذریم روی دیگر سکه به هجو کشـیدن خود «فحاشـی» است. جایی که فحش و بددهنی از معنای خود تهی می‌شـود و مثل یک تعارف مرسوم در یک شـبکه اجتماعی یا یک میهمانی رد و بدل می‌شـود؛ عادی شدن بددهنی و تغییـر معنـای فحش به امـری فان و خوشمزه که می‌توان آن را خطرناک‌ترین شکل بروز این ناهنجاری دانست.

شـما ممکـن اسـت در هر مـکان و موقعیتـی مورد اصابت یکـی از تیرهای زهرآگین قـرار بگیرید. اگـر بازیگر یا فرد سرشناسـی باشـید، هدف بهتـری برای گروه فحـش دهندگان هسـتید. ممکن است حتی برای نقل خبری در موردتان، یکی دو تا فحش آبـدار هم نثارتان کنند. افرادی که به رکیک بودن عادت کرده‌اند، حتی برای ابراز محبت به دوستان‌شـان، رگباری از عبارات ناجور را به کار می‌برند. آنهـا معتقدند با ایـن کار، خیلی جذاب جلوه می‌کنند و طرفداران‌شان هم بیشتر می‌شود. می‌توانند ترس‌هایشان را پشت پـرده‌ای از ناسـزا پنهـان کننـد و باحال بودن‌شان را به رخ بکشند.

حال و روز زنان کشاورز در حاشیه‌های تهران

کاش زندگی بچه‌ها مانند ما نباشد

ترانه بنی‌یعقوب

تابسـتان‌ها بامیه می‌کارند و زمستان‌ها تره، شـلغم و لبو. مردها هم کمک‌شان می‌کنند اما بیشتر کار به عهده آنهاست، زنان. تقسـیم کار نکرده‌اند اما انگار زن‌ها پذیرفته‌اند که بجـز کار خانه و نگهداری از فرزندان کشـاورزی هم بـر عهده آنها باشـد. اغلب لباس مناسـب زمستان بر تن ندارند، باد زمسـتانی سرد از لایه‌های نـازک لباس‌شـان براحتـی می‌گـذرد. خیلی‌هایشان موقع حرف زدن می‌لرزند. دندان‌ها بر هم می‌خورد و گاهی کلمات نصفه نیمه ادا می‌شـود. آسـمان امروز گرفتـه و ابری اسـت. ابرهای بـاران‌زا در گوشـه کنار آسـمان آبی دیده می‌شـود. پیش‌بینی برف شـده، شـاید تا سـاعتی دیگر آسمان ببارد. آتشی برپاشده، پیت سیاه‌رنگ که دود از آن برمی‌خیزد و کمی گرما به این‌سـوی و آن‌سـوی می‌پاشـد. دودی کـه از آتـش برمی‌خیـزد، ابـری آسـمان و گرفتگـی‌اش، فضـای اینجا را مه‌آلود کرده است. گرفته و دم‌دار.

زمین‌هـای کشـاورزی در نزدیکـی اسلامشهر تهران است. اهالی روستاهای سـیمون ، لهک و... شـغل اصلی‌شـان کشاورزی اسـت. خیلی‌هایشـان سال‌ها حاشیه‌نشـینی کرده‌انـد امـا بـه قـول خودشـان یک روز هم نبـوده کار نکنند. گواهـش هم ایـن زمین‌های کشـاورزی کـه تا انتهـای جـاده دیده می‌شـود. زن دمپایی پلاستیکی به پا کرده، بی‌توجه به سـرمای هوا: «دیگر به سـرما و همه‌چیز عـادت کردیـم، چیـزی کـه آزارمـان می‌دهد این اسـت که خیلی‌ها می‌گویند ما کار نمی‌کنیم، نشسـته‌ایم تـا دیگران کمک‌مـان کنند. روزی نبـوده کار نکنیم؛ تابسـتان و زمسـتان هم ندارد. کشاورزی هـم نباشـد کارهای سـنتی خودمـان را می‌کنیم؛ کلوچه می‌پزیم، کشکی، دوغی بالاخره ما بیکار نمی‌مانیم... اصلا بیکاری را عار می‌دانیم.»

عکس: سجاد صفری / ایران

زن‌هـا ردیف نشسـته‌اند. تره‌هـا را از زمیـن بیـرون آورده و خـاک دور و برش را می‌تکاننـد و درون گونـی آبی‌رنـگ پر می‌کنند. اغلب به صورتشـان شـالی بسته‌اند. هم برای دور ماندن از گزند سرما و هـم دود آتـش. دور تـا دور زمین‌های کشـاورزی خالـی اسـت. جـز دکل‌های تنومند برق سازه دیگری نمی‌بینی.

زن شـال را دور صورتـش محکم‌تـر می‌بندد: «دخترم راهم با خودم می‌آورم. امروز مریض بـود با خـودم نیاوردمش هنـوز نـوزاد اسـت. از سـاعت ۸ صبـح می‌آییم تا یک و دو بعدازظهر. بعد یکسر می‌رویم برای اسـتراحت و ناهـار دوباره می‌آییـم تا سـاعت ۵ بعـد از ظهر. ولی آنقدر برایمـان نمی‌ماند فوقش کیلویی ۲ هـزار تا ۲ هزار و ۵۰۰ از ما بخرند. هر بار برای رسـاندنش به بازار ۴۰ هـزار تومان کرایه ماشـین می‌دهیم. حق‌العمل هم می‌گیرند و از کیلویی ۲ هزار و ۵۰۰ شـاید صافی برایمان کیلویی هزار تومان بماند. برای چه ما نمی‌توانیم برای بچه‌هایمان خانـه فراهم کنیم و بچه‌هامان درسـت و درمـان درس بخواننـد، همین اسـت. درآمدش کم اسـت.» به زنی که کنارش نشسـته و بی‌صـدا تره‌فرنگی‌هـا را پاک می‌کند، اشـاره می‌کند: «ایـن خانم دوتا پسر دارد، نتوانستند بروند مدرسه. همین فقر نگذاشت، نتوانسـتند دیپلم بگیرند با کشـاورزی سـخت می‌گذرد، نمی‌شود زندگی را کامل تأمین کرد.» زن سـرفه‌ای می‌کند: «از صبـح که آمده‌ایم یک لیوان آب از گلویمان پایین نرفته.» زینب کمی آن‌سوتر نشسـته: «مسئول این زمین من هسـتم ۵۱۰ هزار تومان برای نشا دادیم، یک‌میلیون برای خاک زمین، یک‌میلیون هزینه کارگرها شد، شش میلیون می‌ماند که نصفش برای ارباب (صاحب زمین‌ها) است و نصفش مال ما. آن‌هم برای چند ماه. آخرش هم صاحبکار دائم سـرمان غر می‌زند.»

سـمانه دو فرزنـد کوچـک دارد؛ یک‌جوری می‌نشیند که باد مستقیم توی صورتـش نـوزد: «خیلی‌هـا می‌گویند، ما پولداریم و کار نمی‌کنیـم. ما کار می‌کنیم زندگی‌مـان این اسـت. وای به حال اینکه کار نکنیم. همین الان مدرسـه پسـرم ۵۰ هزار تومان از ما خواسـته، نداریم. دیشب ۱۰۰ هزار تومان قرض کردم نفت خریدم.»

حمیـده ۴۰ سـاله اسـت: «والا مـا با کار مشـکلی نداریـم فقـط کاش بـرای بچه‌هایمان مدرسه بسازند. پسرم می‌رود اسلامشهر برای درس. الان گفته‌اند فردا سـرویس نمی‌آیـد، غصه‌ام شـده چکار کنیم. پسـرم دبیرسـتان می‌رود. باورت نمی‌شـه بـرای سرویسـش ۳۶۰ هـزار تومـان در مـاه می‌دهیم. فقـط آرزویم این اسـت این پسـر دیپلمـش را بگیرد و از مـا زندگـی بهتری داشـته باشـد. او هم مانند من این همه سـختی نکشـد. بچه‌های ما اصـلاً نمی‌دانند ورزش چی هسـت؟ دلـم می‌خواهد یک ورزشـگاه داشـته باشـند. اینجا نه امکاناتی دارد نه چیزی.» از سختی‌های کشـاورزی بیشتر می‌گویند: «زمسـتان یک داسـتان داریم و تابسـتان یک‌جور دیگر. تابسـتان‌ها که بامیه می‌کاریم، آفتاب آنقدر داغ اسـت که بعضی‌ها از هـوش می‌روند و الان که می‌بینید چه سـوز و سرمایی است. گاهی شـلغم، لبو، کلم ترشـی هم می‌کاریم؛ اما شکر، گلایه‌ای نداریم. کار باشد انجام می‌دهیم.»

ایران
نیازمندی های استان قم
امروز ضمیمه روزنامه ایران

آمادگی برای آزمون
IELTS 9
English for International Opportunity
تعیین سطح و ثبت نام اینترنتی
www.gosafir.com
شریعتی ۲۲۶۳۱۶۹۸ پونک ۴۴۶۲۸۳۷۰

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۶۳۹۶

جدول عادی

افقی:
۱- مصیبت‌دیده و سخت اندوهگین- کنایه از خوراک‌های عالی و لذیذ
۲-بمبی که با نیروی اتم منفجر می‌شود- آبگوشت ساده- شهر کندی
۳-ساقه بعضی از گیاه‌ها- ضدمتحرک- همیشه
۴-میان برنامه تلویزیونی- باران کم- تخته شیرجه- به طور ناگهانی
۵-رمق- خندان، خوشحال- اعتماد و اطمینان
۶-مرطوب- چیزها- قلب قرآن
۷-قوی‌ترین تاندون پا- نسبت همسران دو خواهر- بخشایش قلب
۸-داستان کوتاه- میوه جاذبه!- یار همایون
۹-خاری در بند ساعت- لقب ابوبکر- آماده
۱۰-عنصر حیاتی برای غده تیروئید- ضد مثبت- جاروکردن
۱۱-نشانگان نقص ایمنی اکتسابی- ستم- شریان بدن
۱۲-مکعب شماره‌دار- واحد جهانی طلا- کلمه اخطار و تنبیه- بنشن گرد دانه
۱۳-متکا و بالش- پیمان ناقلا- خطرناک بودن
۱۴-آزمایش- قصد مشتری!- تیم فوتبالی در فرانسه
۱۵-مخفی کردن اصل مطلب با زرنگی و حیله- بهترین گلزن لیگ برتر این فصل تا این هفته لیگ با نام «ساسان»

عمودی:
۱-به اسـتفاده از روش‌هـای درمانی صـوری و تلقینی گفته می‌شـود که می‌تواند با فریب بیمـار، اثـر مثبتـی در رونـد بهبودی وی داشـته باشد- یک نوع ورزش گروهی
۲-رهبـر خونخوار قوم هون- با گفت آید- دربندان
۳-اشاره با ابرو- گاز کمیاب- مهارت فوتبالی
۴-مظهر بدکـرداری و خباثت در افسانه‌ها- پر- نشانه فعلی مضارع- خودروی فرانسه
۵-از دین برگشته- گل و گیاهی آپارتمانی- خودسازی
۶-شهر حضرت عبدالعظیم- جوانی- بیشتر شونده
۷-خاشـاک- کنکـور آن هـر سـاله در ایران برگزار می‌شود- استخوان سرانگشت
۸-همـدم- فریـاد- خوابیدن براثر بیماری
۹-پسـر مازنـی- بخشـی از آپارتمـان- کلمه‌ای به نشـانه تعجب و حیرت
۱۰-نام دخترانه- عضو دستگاه گوارش- رنجوری
۱۱-محبت- سندضامن- سازمان خواربار و کشاورزی جهانی
۱۲-قـوم ایرانـی- تعجب زن- کشیده شده- ضدعام!
۱۳-سـلیقه‌ها- گـرو گذارنده- پناهگاه
۱۴-واکسـن- پیامبـری معاصر حضـرت عیسـی(ع)- عروس شـهرهای ایران و یکی از مناطق برتر کشور به لحاظ طبیعت‌گردی
۱۵-شـهرت و اعتبار و احترام- حلقه زینتی نگین‌دار

جدول ویژه

افقی:
۱-ابـزاری کـه بـرای اندازه‌گیـری خصوصیـات نـور بـر پایـه تجزیـه طیـف الکترومغناطیسـی کاربـرد دارد- از جنس حریر
۲-تـاج سـاخته شـده از گل- امـر نوشـتن- خامـوش کردن فتنه
۳-اثر ابن‌سینا- قاره ما- پرنده
۴-با های آید- نام بلاتر رئیس سابق فیفا- خبر جستن- از خودروهای سواری
۵-بیماری ریوی خطرناک- نام ریلکه شاعر آلمانی- گیاهی خوشبو
۶-اراذل- شاخه‌ای از دریا واقع بین دو خشکی- سرراست
۷-زادگاه- گذاشتن- سائل
۸-آماس- با داد آید- صحنه آرایی
۹-ای دل شاعر- از رشته‌های دانشگاهی- داروی مالیدنی
۱۰-طریق کوتاه- سکه سیاه مسی- دامن بلند
۱۱-پربازدیدترین موزه جهان- اشرف مخلوقات- شمیم
۱۲-اردوگاه- تست هوش معروف- گلی سفید و خوشبو- اندیشه‌ها
۱۳-نویسنده کاندید- حفاظ چوبی- شهری در استان اصفهان
۱۴-عصاره گرفته شده میوه‌ها که مورد علاقه همه افراد بویژه بچه‌ها ست- چارچوب زیرین خودرو- جوانمردی
۱۵-میـل جراحـی - افسـر فرانسـوی متهـم به جاسوسـی برای آلمان‌ها

عمودی:
۱-فیلمـی از بیـژن میرباقـری- فیلمی از رضا عطاران با هنرنمایی ویشکا آسایش و سیامک انصاری
۲-قراول- شـیفته و شیدا- تو دل برو و دلپذیر
۳-میرا- پزشک‌ها- رایانه همراه
۴-پلکان قهرمانی- یار- نویسنده کلاغ- حسد
۵-نسب‌شـناس- نقطه‌چین در حکاکی- کجاست؟
۶-موجـودات نامرئـی - مرکـز چک- کهن
۷-گشـاده - سـنگ قیمتـی - مرکز فلزی!
۸-فاقـد پویایـی - آینـده - پیکرانسان
۹-یکی از نیروهای پنجگانه سـپاه پاسـداران و یکـی از مهم‌تریـن بازوهـای قـدرت جمهـوری اسلامی- گناهکار- معاون هیتلر
۱۰-گیـاه چشـم زخـم- دریـغ خوردن- هالوژن نمک
۱۱-سـوره ۳۶- قسـم- کاغـذ نقشه‌کشی
۱۲-قرارداد- پاسـخ نومید کننده- بالش و زیر سری- درس نخوانده
۱۳-بازار فروش اجناس کشورهای مختلف- مانند اینکه- والاتر
۱۴-اسـباب‌بازی قدیمی- سـند- مرحبا
۱۵-ایالتی در امریـکا که مرکز آن لینکلن اسـت- نویسـنده و ادیب اسپانیایی

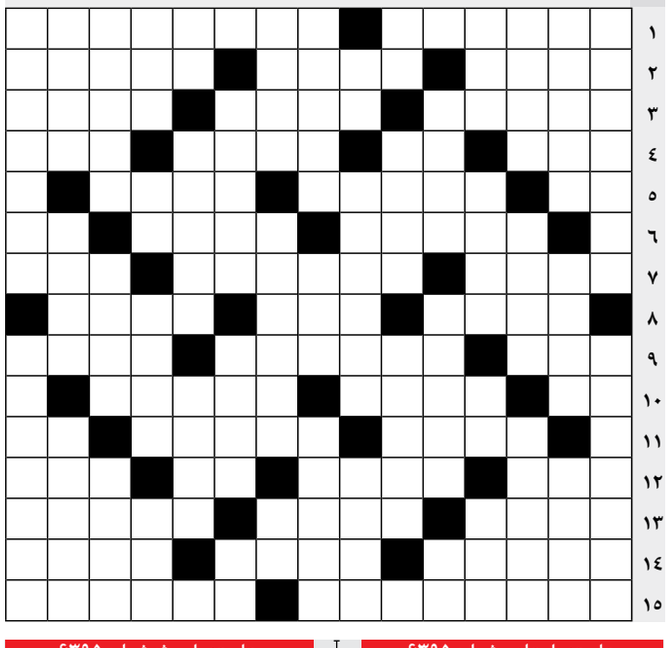

حل جدول عادی شماره ۶۳۹۵

حل جدول ویژه شماره ۶۳۹۵